



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۹۱۳۶۸۲۳۳۵۷ | 📧 Tirang.Studio | 📍 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳
📞 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | 📧 tirang.advertising@gmail.com

توزیع نوشت افزار
بین دانش آموزان محروم



۲

مدارس عشایری کشور
تجهیز می شوند



۲

گزارش
یک تصادف



۳

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۲۰ شهریور ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۸ / ۲۶۳۸ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

رقابت فرهنگی

■ با مسوولیت سردبیر

برخی پدیده ها در دنیای امروز قطعی شده اند و همه به آنها به عنوان یک واقعیت مسلم می نگرند. برای نمونه، اگر می خواهید اقتصادی پویا داشته باشید، راهی جز رقابت در حوزه اقتصادی ندارید و برای رقابت در آن باید اقتصاد را به فعالان اقتصادی بسپارید و دولت تنها نظاره گر و سیاستگذاری کند، زیرا امروزه همگان به این باور رسیده اند که دولت نمی تواند فعالان اقتصادی به صرفه ای باشند و در نهایت از اقتصاد دولتی جز رانت، فساد و عقب ماندگی چیزی نخواهد ماند، بنابراین رقابت یک اصل است، هر چند در رقابتها ممکن است گاهی دو طرف به یکدیگر ضربات یا لطماتی نیز خواسته و ناخواسته وارد کنند اما به هر روی جز با رقابت نمی توان استعدادهای را شکوفا کرد و امورات را پیش برد. این تجربه محصول سالها اندیشه ورزی بشر و قرنهای تلاش انسان برای رسیدن به زندگی بهتر بوده است. علاوه بر اقتصاد، امروزه بشر به این نتیجه رسیده است که در همه لایه ها و بخش ها حتی برای تربیت انسانها و اصلاح رفتارهای عمومی انسانها، بیاید از تکنیک ها و شگردهایی بهره ببرد که ضمن رعایت حدود و موازین، هر روز شرایط را برای زندگی تسهیل نماید اما باز هم رقابت در همه حوزه ها یک اصل بنیادین است.

رقابت باعث روزآمدی و جلجلی می شود و رقابت باعث حذف زوائد در ساختارها و کارآمدی سیستم می شود و رقابت ... اینک با همین نگرش به حوزه فرهنگی گلستان نگاهی بیندازیم. سالها پیش، شاید دهها گروه موسیقی هنری و فرهنگی در گلستان فعال بود، آنها در رقابت با یکدیگر تلاش می کردند شهروندان را به خود جذب کنند و در پناه این رقابت، انسانها تربیت می شدند. دهها بازیگر صحنه که اینک بالای شصت سال را می گذرانند و یا دهها موزیسین و استاد که برخی از آنها از دنیا رفته اند محصول آن فضای رقابتی بود و یا دو دهه پیش نزدیک به انگلستان دو دست رسانه کاغذی در رقابتی تنگننگ با یکدیگر در گلستان تولید محتوای کردند. نشریات مختلف با رنگ و لعاب مختلف در رقابت انسان تولید می کردند و می کوشیدند از دیگران عقب نمانند، بنابراین باید با سیاستگذاری دقیق و منطقی و آینده پژوهانه میدان را برای رقابت لایه های مختلف فرهنگی باز کرد و پس از آن در انتظار تربیت نیروی انسانی نشست.



ضعف پنهان شده
پشت قهرمانی های متوالی
« ۱ »



نتایج نهایی آزمون کارشناسی ارشد
علوم پزشکی اعلام شد
« ۷ »



سینما
« ۵_۴ »

بحران ریزگرد



داری و آبخیز داری، کنترل سیلاب ها و روان آب ها به منظور جلوگیری از وقوع سیل در کنار توسعه جنگل های دست کاشت در اراضی بایر و تخریب شده با سیل یا آتش سوزی، رانش زمین و یا معدن های متروکه. به این فهرست باید جنگل کاری در اراضی ساحلی و مناطق ناشی از پسروی و خشک شدن تالاب ها و دریاچه ها با گونه های شوره رست نظیر گزها، پده، اشنان، سیاه تاغ، دارتالاب، آتریپکس را اضافه کنیم. هم چنین باید تولید، ذخیره سازی و استفاده حداکثری از آبهای نا متعارف نظیر آب خاکستری از پساب های تصفیه شده، آبهای شیرین استحصالی از آب شیرین کن های خورشیدی را در دستور کار قرار داد و با احداث خزانه و نهالستان و توجه به گیاهان سازگار به خشکی، گرما و شوری در مناطق حساس، زمینه را برای حذف ریزگرد فراهم کرد. راهی که باید علمی، حساب شده و کارشناسانه طی شود تا از مخاطرات ریزگرد رهایی یابیم.

خاطر باید اصولی را در محیط زیست خود رعایت نمایند که مهمترین آنها عبارتند از: رعایت حقایق آبخیزهای طبیعی رودخانه ها، تالاب ها و دریاچه ها و پرهیز از سدسازی های غیر ضروری در مناطق خشک و نیمه خشک در کنار درختکاری در حاشیه جاده ها، بزرگراهها و جاده های بین مزرعه ای با گونه های مناسب توسط شهرداری ها، وزارت راه، سازمان جنگل ها با مشارکت عمومی شهروندان به همراه تبدیل نظام تک کشتی به دو یا چند کشتی در مزارع و باغ ها به شیوه تلفیق درختکاری با کشاورزی در حاشیه و متن اراضی کشاورزی با گونه های مناسب در هر منطقه، در کنار این ها باید برای بازگشت سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیز داری به وظایف اصلی خود برنامه ریزی ها کرد. وظایفی مانند: ذخیره نزولات آسمانی با روشهای علمی، بیابان زدایی با جنگل کاری، احیا و توسعه مراتع با بذر پاشی، بذرکاری، پخش سیلاب، آبخوان

نوروزعلی حسن عباسی - غبار یا ریزگرد، ذرات ریز و معلق گرد و غبار همراه با دوده ناشی از سوخت فسیلی و یا آتش سوزی های بزرگ و طولانی مدت در جنگلها، مراتع و نیزارها، به ندرت همراه با ذرات نمک حاصل از خشک شدن تالاب ها و دریاچه های شور و مواد رادیو اکتیو ناشی از دفن زباله اتمی و یا نشت آن از راکتورهای نظیر چرنوبیل روسیه و مواد و فلزات سمی و سنگین مانند آزبست، سرب، جیوه، ارسنیک و ... در هواست که در هنگام وزش باد از مبادا حرکت کرده و تا دور دستها جایی که به موانع و بادشکن برخورد نکند، منتقل می گردد. ریزگرد منشا داخلی و خارجی دارد به این لحاظ همه کشورها موظف به رعایت مفاد توافقنامه ها، پروتکل ها و کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای هستند. همه دولت ها ملزم به برنامه ریزی و مدیریت حوادث غیر مترقبه داخل کشور خود هستند تا تبعات بی توجهی آنها دامن گیر ملت های دیگر نشود به این



توزیع نوشت افزار بین دانش آموزان محروم



مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان گفت: در آستانه بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید، ۹ هزار بسته نوشت افزار با اعتباری افزون بر سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال در قالب طرح مهر تحصیلی و در راستای اجرای نیت واقفان بین دانش آموزان نیازمند و بی بضاعت استان توزیع می شود. به گزارش ایرنا، حجت الاسلام حسین مهدیان اظهار کرد: این بسته ها شامل کیف و نوشت افزار تولید شده در مجموعه های وابسته به اوقاف است که به ۵۶۰ دانش آموز نیازمند در ۲ مقطع ابتدایی و متوسطه اهدا می شود. وی افزود: طرح مهر تحصیلی هرساله با هدف محرومیت زدایی از دانش آموزان بی بضاعت اجرا و براساس اهداف آن تلاش می شود حتی یک دانش آموز از تحصیل محروم نماند و یاد روند تحصیل خود دچار مشکل نشود. وی بیان کرد: ترغیب، ترویج و تشویق فرهنگ وقف و کمک به دانش آموزان نیازمند مناطق محروم گلستان، ضروری و اقدامی خداپسندانه بوده و باید با اطلاع رسانی درست آثار ناشی از برکات وقف در جامعه تبیین شود. مدیرکل اوقاف گلستان گفت: طرح مهر تحصیلی در استان گلستان از اوایل دهه ۹۰ در راستای رویکرد سیاست حمایتی اوقاف برای کمک به دانش آموزان نیازمند و محروم همزمان با سراسر کشور آغاز و تاکنون همزمان با سراسر کشور در سال تحصیلی جدید در استان اجرایی شده است.



اعزام دختران گلستانی به چهارمین دوره المپیاد استعدادهای برتر کشور

تیم تیراندازی دختران استان گلستان به چهارمین دوره مسابقات المپیاد استعدادهای برتر کشور در اصفهان اعزام شدند. به گزارش مهر، مسابقات چهارمین المپیاد برتر کشور از ۱۸ شهریور الی ۲۲ شهریور به میزبانی استان اصفهان برگزار خواهد شد. روزان شاه حسینی، هلنا درویشی، فاطمه ریاحی در رشته تیانچه بادی و مهسان رضایی، صبا ترابی پور، ریحانه جلالی در رشته تفنگ بادی به این دوره از مسابقات المپیاد استعدادهای برتر کشور اعزام می شوند. گفتنی است، مهتاب مؤمن به عنوان مربی و زهرا پایین محلی به عنوان سرپرست، تیم فوق را همراهی می کنند.

گلشن مهتر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

حذف تشریفات اداری برای انتقال ۳۱ تن نهاد دامی

دچار فساد شده و از چرخه مصرف خارج می شوند. قوه قضاییه در دوره اخیر با همکاری دولت اقدامات قابل توجهی در جهت تسریع در ترخیص کالاها از انبارها و گمرکات انجام داده است. در همین راستا رییس قوه قضاییه ۱۱ شهریور ماه در تماس تلفنی با رییس دادگستری استان همدان دستور بررسی فوری وضعیت سیلوی پشتیبانی امور دام شهرستان اسدآباد که ۱۳ هزار تن نهاد دامی استراژیک در آنجا دپو شده را صادر کرد. پس از دستور رییس قوه قضاییه و با همکاری دولت، بخشی از این ذرت ها به استان گلستان و به یکی از بزرگترین واحدهای تولید تخم مرغ کشور اختصاص پیدا کرد. رییس کل دادگستری این استان درباره تعیین تکلیف نهادهای دامی کشف شده در استان همدان گفت: پس از اطلاع از انبار نهادهای دامی در استان همدان، رییس قوه قضاییه طی تماس تلفنی دستور داد بخشی از این نهادهای دامی به استان گلستان اختصاص یابد و تاکید شد اقدامات لازم برای انتقال و مصرف آنها در بخش دام و طیور انجام شود. حیدر آسیابی بیان کرد: پس از دستور رییس قوه قضاییه، جلسه ای با حضور مدیرکل جهاد کشاورزی و معاونت امور دام استان در دادگستری تشکیل و در تماس با رییس کل دادگستری استان همدان مقرر شد روند انتقال ذرت ها به گلستان تسریع شود و همکاری های

رییس کل دادگستری گلستان گفت: تشریفات اداری برای انتقال ۳۱ تن نهاد دامی از بندر امام خمینی (ره) خوزستان به گلستان حذف شد. به گزارش روابط عمومی، رسوب کالاها در بندر و گمرکات به یکی از معضلات کشور در سال های اخیر تبدیل شده که به واسطه آن، میلیون ها تن کالای فسادزاد چرخه مصرف خارج می شود. یکی از کالاهای استراتژیک که در زمره نیازهای اولویت دار زنجیره غذایی قرار دارد و ارز برای واردات آن اختصاص پیدا می کند، نهادهای دامی است که به علت ترخیص به موقع، شرایط نامناسب نگهداری در انبارها

لازم صورت گیرد. وی اظهار کرد: حدود نیمی از نهادهای تخصیصی به استان گلستان انتقال یافته و در اختیار شرکت چیکا که ۲۶ درصد تخم مرغ کشور را تولید و بزرگترین تولیدکننده تخم مرغ کشور محسوب می شود، قرار گرفت. وی ادامه داد: در تماسی با مدیر شرکت چیکا، انتقال نهادهای دامی از سوی رییس این شرکت تایید و اعلام شد حدود نیمی از نهادهای انتقال یافته و مابقی نهادهای نیز به مرور در حال بارگیری است. رییس کل دادگستری گلستان گفت: پس از تماس رییس دستگاه قضا و تاکید بر توزیع نهادهای دامی و با توجه به این که کارخانه چیکا دارای چرخه کامل تبدیل نهادهای دامی به خوراک طیور است در این زمینه پیگیری های لازم برای تامین نهادهای بیشتر برای این کارخانه از سوی دادگستری صورت گرفت. صاحب خیراندیش معاون بهبود تولیدات دامی جهاد کشاورزی گلستان گفت: تامین نشدن به موقع نهادهای دامی مورد نیاز این واحد تولیدی که یکی از بزرگترین واحدهای تولیدی کشور است، علاوه بر بازار استان به بازار کشور شوک وارد می کرد که با ورود به موقع دادگستری و پیگیری هایی که صورت گرفت، از این اتفاق جلوگیری شد. مدیرعامل شرکت صنایع زنجیره ای مرغ تخم گذار کاسپین طلا چیکا گفت: با کمک مسوولان قضایی گلستان توانستیم نهادهای دامی را از ۲ استان

ترخیص کنیم. فرج الهی با اشاره به کمک دادگستری گلستان برای خرید نهادهای دامی شرکت از ۲ استان همدان و خوزستان بیان کرد: با کمک دستگاه قضایی توانستیم، نهادهای دامی مورد نیاز شرکت را که در همدان به حد امحا رسیده بودند، ترخیص کنیم. وی افزود: با هماهنگی هایی که رییس کل دادگستری گلستان با روسای دادگستری همدان و خوزستان انجام داد، توانستیم ذرت مورد نیاز که در انبارهای استان همدان نگهداری می شود و کنجاله سویا که در بندر امام خمینی (ره) وجود داشت را خریداری کنیم. مدیرعامل شرکت صنایع زنجیره ای مرغ تخم گذار کاسپین طلایی چیکا عنوان کرد: ذرت های خریداری شده از استان همدان به شرکت وارد شده و کنجاله سویاهای خریداری شده از استان خوزستان نیز در حال بارگیری هستند. وی تاکید کرد: شرکت چیکا در شهرستان گنبدکاووس و چند استان دیگر با حدود ۲ هزار و ۷۰۰ نیروی کار مستقیم، ۲۰ درصد تخم مرغ کشور را تولید می کند. فرج الهی تصریح کرد: با نهادهایی که با کمک دستگاه قضایی گلستان تحویل گرفتیم، می توانیم ظرفیت تولید شرکت را تا ۲۵ درصد افزایش دهیم. وی بیان کرد: اکنون ظرفیت تولید روزانه شرکت ۲۲۰ تن تخم مرغ است که با افزایش تولید و در مدت ۱۸ ماه، حجم تولید به ۴۴۰ تن می رسد.

مدارس عشایری کشور تجهیز می شوند

تیررس مدیران دولتی و حکومتی قرار داشته باشند و مطالبات آنها روی هم انباشت شود. وی افزود: انباشت مطالبات عشایری همچنین سبب پایین ماندن شاخص های توسعه یافتگی در این جامعه شده است که وظیفه داریم برای جبران عقب ماندگی و ارتقای توسعه عشایر تلاش مضاعف داشته باشیم. مدیرکل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش وزارت آموزش و پرورش، توجه به اسناد بالادستی بویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را در تحقق عدالت آموزشی در مناطق عشایری مهم دانست و بیان داشت: براینکه این اسناد ترتیب تمام ساعتی در مدارس عشایری است. تیرگیر افزود: معلم توانمند، محتوای درسی شامل کتاب، برنامه محوری، بسته آموزشی و محیط را سه مولفه مهم در تحقق ترتیب تمام ساعتی است که باید مورد توجه و اهتمام مدیران و معلمان مدارس عشایری قرار گیرد. تیرگیر همچنین بر لزوم استفاده از معلمان و مدیران توانمند در مدارس عشایری تاکید کرد و افزود: پرکردن مدارس با نیروهای غیررسمی و یا سرباز معلم صحیح نیست و نوعی خیانت به نظام تعلم و تربیت فرزندان عشایری محسوب می شود.



سال ۹۳، اختصاص سهمیه در انتخاب معلمان نمونه کشوری از جامعه عشایری و پیگیری کاهش نرم تعداد دانش آموز کلاس های چند پایه عشایری از ۱۹ به ۱۲ نفر در برنامه هفتم توسعه را از دیگر توجهات دولت سیزدهم و وزارت آموزش و پرورش به مدارس عشایری برشمرد. تیرگیر همچنین شرایط زیست عشایری، پراکندگی، کم جمعیت بودن و سبک زندگی مستقل داشتن را از عوامل اصلی در پایین بودن روحیه مطالبه گری این جامعه نسبت به جوامع شهری و روستایی دانست و گفت: عدم مطالبه گری سبب شده تا عشایر کمتر در

ویژه عشایر از مجموع ۲۵ هزار نفر مجوز استخدامی سال جاری از دیگر توجهات دولت به حوزه تعلیم و تربیت جامعه عشایری است. مدیرکل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر وزارت آموزش و پرورش همچنین ادامه داد: در سال آینده و برای نخستین بار ۲ هزار نفر از دانش آموزان عشایر کشور علاقمند به رشته معلمی، در مقطع کاردانی در قالب معلم عشایری جذب خواهند شد. وی واریز سه برابری سرانه مدارس عشایری نسبت به مدارس عادی در سال گذشته برای نخستین بار از زمان تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی در

مدیرکل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر وزارت آموزش و پرورش از اختصاص پنج هزار میلیارد ریال اعتبار برای خرید تجهیزات آموزشی مورد نیاز مدارس عشایری کشور خبر داد و گفت: این تجهیزات قبل از شروع سال تحصیلی جدید در اختیار افزون بر هفت هزار مدرسه قرار خواهد گرفت. به گزارش ایرنا، علی تیرگیر اظهار کرد: دولت سیزدهم اهتمام ویژه ای به تعلیم و تربیت مدارس عشایری دارد و توسعه کمی و کیفی این مدارس و نیز هنرستان ها و مدارس کار و دانش را در دستور کار قرار داده است. وی با بیان اینکه در دولت سیزدهم عشایر در ترکیب و بدنه اصلی دولت قرار گرفته و نقش آفرین شدند، افزود: این دولت با کار جهادی و شبانه روزی تلاش دارد، مطالبات جامعه عشایری بالخصوص حوزه آموزش و پرورش آن را که از سنوات قبل روی هم انباشت شده، در راستای تحقق عدالت آموزشی کاهش دهد. تیرگیر، توسعه مدارس شبانه روزی در مناطق عشایری برای جذب بازماندگان سیزدهم در راستای تحقق عینی عدالت آموزشی ذکر کرد و اظهار داشت: اختصاص هزار نفر سهمیه استخدام معلم

گزارش یک تصادف



پوش راه نجات برای زائرین امام رضا (ع) ایجاد شد



مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌های گلستان از راه اندازی پوش راه نجات برای زائرین امام رضا (ع) خبر داد. به گزارش مهر، عادل مصدقی با اشاره به در پیش بودن ۲۸ صفر و شهادت امام رضا (ع) گفت: برای ارائه خدمات بهینه به زائران این امام همام و تأمین امنیت جاده‌های آنها، ایستگاه پوش راه نجات در مجتمع خدماتی رفاهی لوه در ورودی شرق استان، راه اندازی و برپاشده است. وی افزود: در این پوش، متناسب با ایام، برنامه‌های مختلف فرهنگی و مذهبی و نوحه خوانی برگزار می‌شود. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌های گلستان با بیان اینکه پوش راه نجات تا دوم مهرماه ادامه دارد، گفت: طبق شیوه نامه‌های ابلاغی و با توجه به تعطیلات آخر تابستان، برنامه‌های بعد از این ایام بصورت شادتر برای استراحت و ایمنی مسافران تابستانی اجرا می‌شود. وی اظهار کرد: اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌های گلستان با توان ۱۲۰ دستگاه اتوبوس و دو هزار و ۸۰۰ راننده از هفته جاری تا پایان شهریورماه برای خدمت جابه جایی زائرین امام رضا (ع) اقدام می‌کند.



دادیم. وی در ادامه افزود: علیرغم اینکه ۱۸۴ اتوبوس در استان گلستان دارای کارت هوشمند هستند، ۱۲۰ دستگاه در قالب ۷۰ شرکت حمل و نقلی در این طرح شبانه‌روزی فعالیت کردند. مصدقی اظهار داشت: با ابلاغ معاون اول رئیس جمهور، از ناوگان سایر دستگاه‌های دولتی در جابجایی زائرین استفاده شد. به طوری که ۷ دستگاه اتوبوس از شهرداری گرگان و ۹ دستگاه ون ایسوزو از گنبد کاووس به مرز مهرازم اعزام شد. وی در ادامه گفت: در روز پنج‌شنبه، ۱۶ شهریور، به ۲ هزار و هفتاد و یک نفر طی ۶۳ سفر، خدمات‌رسانی انجام شد که این یک عدد بی‌سابقه است. این در حالی بود که روزانه

مسلسل است. تابلوها و علائم، زبان گویای جاده‌ها هستند و راننده باید مطابق آن‌ها رانندگی کند. سرنشینان خودروهای دخیل در این حادثه، تصویری از رخ دادن آن نداشتند. متأسفانه بیش از ۸۵ درصد تصادفات در استان ما به خاطر خطای انسانی است. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌های گلستان درباره‌ی استقبال زائرین از مرز مهرازم گفت: مرز خسروی مرز تعیین شده برای استان گلستان بود. اما به دلیل وجود زیرساخت‌ها در مرز مهرازم و نزدیکی بیش‌تر به کرمان، اغلب تقاضاها برای مرز مهرازم بود. مصدقی تصریح کرد: ما تا این لحظه جابجایی برای ۲۶ هزار و ۶۴۷ زائر را طور رفت و برگشت انجام

مهرازمی - شنبه، ۱۸ شهریور، مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌های گلستان با حضور در نشست خبری، ضمن ارائه‌ی گزارشی از عملکرد این سازمان در ایام اربعین حسینی، جزئیاتی از سانحه‌ی تصادف اتوبوس گلستان را بازگو کرد. عادل مصدقی درباره‌ی سانحه‌ی مذکور گفت: راننده‌ی مجرب اتوبوس به محض آگاهی از جواب کردن ترمز، اتوبوس را سمت شیب‌راه فرار برد که به ۶ خودروی در حال حرکت و ۳ خودرو که در شیب‌راه فرار اطراق کرده بودند، اصابت کرد و متأسفانه ۵ کشته و ۲۷ مجروح به بار آمد. وی افزود: زائرین ما که به جز ۹ نفر گلستانی، همگی از استان مازندران بودند، آسیب جدی ندیدند. اما تعدادی از مسافری تحت تأثیر وحشت سانحه، از جایشان بلند شده، به یکدیگر اصابت کردند و در نتیجه، یک کوفتگی جزئی به وجود آمد. مصدقی در ادامه اظهار داشت: ما بلافاصله رئیس اداره‌ی مسافر و اداره‌ی ایمنی و ترافیک را همراه با یک گروه مجرب و فنی اعزام کردیم که در بیمارستان شهدای زیراب، بیمارستان ساری و محل حادثه حضور پیدا کردند. مصدقی در پاسخ به سوال خبرنگار گلشن مهر درباره‌ی اینکه آیا تدبیری به صورت تعیین جریمه برای اطراق خودروها در مسیرهای فرار جاده‌های تعیین شده، گفت: راننده در فرآیند اخذ گواهینامه، آزمون‌های نظری و عملی را گذرانده و به قوانین راهنمایی و رانندگی آشنا و



۱۳ خودرو و موتورسیکلت مسروقه در گرگان کشف شد

فرمانده انتظامی شهرستان گرگان از کشف ۱۳ خودرو و موتورسیکلت مسروقه در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سرهنگ علی تجری اظهار کرد: در راستای طرح عملیاتی مبارزه با سرقت و با تلاش بی‌وقفه مأموران انتظامی ۶ دستگاه انواع خودرو سواری و ۷ دستگاه موتورسیکلت مسروقه کشف شد. وی افزود: با پیگیری‌های مستمر و انجام اقدامات اطلاعاتی و نیز اخذ استعلامات از سامانه‌های پلیس، این خودروها و موتورسیکلت‌های مسروقه شناسایی و کشف شده است. فرمانده انتظامی شهرستان گرگان بر اهتمام پلیس در کشف وسایل مسروقه و دستگیری سارقان و همچنین استمرار طرح‌های ارتقای امنیت اجتماعی در راستای جلب رضایت مردم و تحقق امنیت پایدار تأکید کرد.



جان باختن سه برادر در زمین‌های کشاورزی

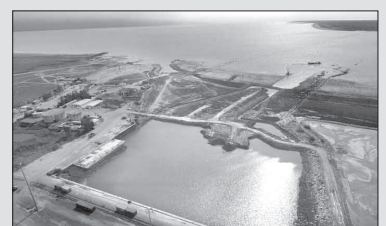
سه برادر در زمین‌های کشاورزی مزرعه کتول از توابع شهرستان علی آباد کتول، هنگام جابجایی پمپ آب کشاورزی جان باختند. به گزارش مهر، این حادثه پیش از ظهر روز گذشته روی داد و گاز گرفتگی هنگام جابجایی پمپ آب کشاورزی، علت جان باختن این ۳ برادر اعلام شده است. بر اساس اخبار دریافتی گفته می‌شود، اولین فرد پس از ورود به چاه بر اثر گاز مونو اکسید کربن دچار حادثه می‌شود و دو برادر دیگر نیز که با قصد نجات وی وارد چاه شده بودند نیز بر اثر گاز گرفتگی دچار خفگی شده و جان خود را از دست می‌دهند. نیروهای آتش‌نشانی شهرداری مزرعه کتول با همکاری آتش‌نشانان علی آباد کتول با حضور در محل حادثه نسبت به خارج کردن جنازه‌ها از چاه اقدام کردند. در این حادثه یکی از آتش‌نشانان شهرداری مزرعه کتول نیز دچار آسیب دیدگی جزئی شد.

کارچاق کن‌های بندر گز دستگیر شدند



رئیس کل دادگستری گلستان گفت: تیم کارچاق کن و جاعل اسناد قضایی با ادعای ارتباط با مدیران قضایی، متشکل از ۳ مرد و یک زن در شهرستان بندرگز، بازداشت شدند. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی اظهار داشت: ۲ نفر از این تیم جاعل که زوج بوده‌اند هنگامی که به جاعل نامه دادستان شهرستان بندرگز قصد رفع مسدودی یک حساب بانکی را داشتند، بازداشت شدند. وی افزود: این زوج کلاهبردار از چند ماه گذشته به منظور شناسایی همداستان، در تور اطلاعاتی کارکنان حفاظت و اطلاعات استان قرار داشتند که در نتیجه این پایش علاوه بر این دو نفر، یک جاعل و یک کارمند بانک هم دستگیر شدند. وی گفت: مجرمین مدعی ارتباط و آشنایی با برخی مقام‌های قضایی بودند و باین ترفند اقدام به کارچاق کنی و فریب مردم می‌کردند. آسیابی از دستگیری این افراد خبر داد و افزود: پرونده قضایی این افراد تشکیل شده و در مرحله تحقیقات قرار دارد.

۹۰ درصد کانال‌های جزیره میانکاله و خلیج گرگان لایروبی شد



مدیر بنادر و دریانوردی گلستان از پیشرفت ۹۰ درصدی پروژه علاج بخشی و لایروبی کانال‌های جزیره میانکاله و خلیج گرگان خبر داد. به گزارش مهر، نوراله عباسی گفت: پروژه علاج بخشی و لایروبی کانال‌های جزیره میانکاله و خلیج گرگان از تاریخ ۲۵ خردادماه ۱۴۰۱ با هدف تسهیل تبادل آب بین دریای خزر و خلیج گرگان و تسهیل تردد شناورهای سبک بین خلیج گرگان و دریای خزر و تثبیت تراز آب شروع شد. وی افزود: حجم برآورد اولیه این پروژه یک میلیون و ۱۶۰ هزار مترمکعب است که تا کنون با ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی به کار خود ادامه می‌دهد. مدیر بنادر و دریانوردی استان ادامه داد: حجم کل لایروبی و لایه برداری یک میلیون و ۲۷۵ هزار و ۶۰۲ مترمکعب و مساحت دایک‌ها ۱۴۵ هکتار و طول تراورس ۴۰۰/۵ متر است که با تکمیل این پروژه عمق کانال آشوراده به ۵/۱ متر افزایش پیدا خواهد کرد.



۰۱۷۳۳۲۵۱۳۱۶



کنعان

یادداشت

دبیر صفحه _ همیشه دو نفر بهتر از یک نفر نیست، اگر چه در سینما زوج های مولف و سازنده و نویسنده بسیاری داشتیم، اما در موارد بسیاری هم همکاری های آدم های بزرگ بصورت دونفره، چیز خاصی از آب در نیامده. این هفته سراغ فیلم کنعان به کارگردانی مانی حقیقی و نویسندگی مشترک وی با اصغر فرهادی می رویم. این دو در فیلمنامه نویسی دو همکاری داشته اند که یکی منجر به کنعان و دیگری منجر به چهارشنبه سوری شده. در این شماره بیشتر به جنبه اجتماعی فیلم های ساخته شده در سینمای ایران می پردازیم.

خط کش گمگشته باز آید به سینما!



علی درزی

کنعان محصول سال ۸۶ است. وقتی خواننده روزنامه، نقد فیلمی قدیمی را می بیند، شاید به خودش بگوید: چرا باید فیلم شانزده سال پیش را بخوانم؟ چرا باید همچین فیلمی را ببینم؟ اول باید تکلیف این موضوع را مشخص کنم که هدف از ارائه فیلم های گذشته سینما در شماره های این صفحه چیست!

به لحاظ فنی یک دلیل بیشتر ندارد و آن هم فاجعه بودن فیلم های در حال اکران است، پس منتقدین روزنامه تصمیم می گیرند در برنامه ای از پیش تعیین نشده، فیلم هایی را برگزینند که حداقل به واکاوی سینمای ایران پردازند، که چگونه شخصیت های کاریزماتیک یا سلبریتی یا نون به نرخ روز خوری که امروزه می بینند، چگونه در سیر سینمای معاصر، راه خود را پیدا کردند. بیایید کمی به گذر زمان و تاثیرات آن در سینما نگاهی بیاندازیم. ماکسیمایی که ترانه علیدوستی در فیلم، سوارش است، قیمتش در آن سال، ۳۴ میلیون تومان بوده. در آن زمان بخش اعظمی از تبلیغات فیلم های سینمایی توسط تلویزیون صورت می گرفت، تبلیغی که در ناخودآگاه

نوجوانانی مثل من هنوز نقش بسته! کنعان، فیلم پرفروش و مشهور یا کالت و یا پیشرو در سینمای ما نبوده و نیست، ولی امروز به خاطر اسم هایی که در تیتراژ فیلم می آیند، می تواند برای مخاطب جالب باشد. مانی حقیقی، اصغر فرهادی، پانته آ پناهی ها، ترانه علیدوستی، حسن معجونی، مهرداد صدیقیان و ...

اما هدف ما یقیناً چنین چیزهایی نیست، ولی خالی از لطف نیست که بدانیم این فیلم ها در چه برهه ای از تاریخ کشورمان، چه به لحاظ اقتصادی یا سیاسی و یا اجتماعی ساخته شده. مثلاً کنعان در سال ۸۶ دو سال قبل از سال ۸۸ ساخته شده. در آمریکای جهانخوار، دوره ای در ساحل هایش "پلیس مایو" وجود داشته که لباس خانم ها را با خط کش سانت می زد و اگر از حدی کوتاه تر می بود، از ورود آن ها ممانعت می ورزید و یا سانسور در هالیوود که مقامات اهل کلیسا، نمایندگان خودشان را راهی هالیوود کردند تا سینمای بی اخلاقش را دستخوش تغییرات اخلاقی برای مخاطبانشان کنند و یقیناً این سینمایی که امروزه منجر به تولیدات جهانگیر و استثماری فرهنگی شده، یک شبه این راه صد ساله را نرفته و از همان اوایل دهه بیست تا به امروز، دقیقاً یکصد سال این آزمون و خطا را پیموده!

کنعان هم همانطور که عرض کردم، فیلم پیشرو یا موج نوی سینمای ما نیست، اما به ظرافت از یک رابطه مثلثی می گوید. یکی از اصلاح این مثلث، یک سال بالایی رشته معماری، علی رضوان با بازی بهرام رادان است که اتفاقاً هم نام مرید حمید هامون در فیلم هامون است. علی مرید گونه، بی پروا طبق کلیشه های درویش مسلکی و لوتی منشی و خاکی بودن پی ریزی می شود. او که بیماران جواب شده را به مشهد می برد، برای خواهرش خانه اجاره می کند و همدمی جز گل ندارد، در فیلم کسی است که بعد از گذشت ده سال، تغییر نکرده. ضلع دیگر، مینا با بازی ترانه علیدوستی، دختری سرکش و سختی کشیده که به تنهایی گلیمش را از آب زندگی بیرون کشیده. دختری با آرزوهایی بسی بزرگ و ضلع دیگر مرتضی با بازی محمد رضا فروتن، استاد جوانی از فرنگ بازگشته، باسواد و خوشتیپ که به محض ورودش با علی دوست می شود و عاشق مینا می شود، علی هم شاهد عقدشان می شود و بعد از آن عطای دانشگاه و تحصیل را به لقایش می بخشد و در حسرت عشقی نافرجام عزلت نشین می شود. منظوم از ظرافت، معنی کلمه آن در عصر حاضر نیست، منظوم همان سال ۸۶ است، سالی که اوج فضای مجازی ما اینترنت **dial-up** بود. چون دو ضلع این مثلث متاهلند. فیلم بسیار کج دار و مریز (البته که می ریزد) به بیان این مثلث می پردازد. به قدری دست و پا بسته پیش می رود که علی بیشتر به قادیسان شبیه می شود تا آدمی عاشق پیشه. آنچه زیر پوست این ایده می جنبد همین است، دختری بعد از ده سال ازدواج با فردی به اصطلاح همه چیز تمام و فتح قله های تمول و زیاده خواهی اش، ناگهان خالی می شود، خالی از عشق، دوست داشتن، منتظرش ماندن، زن احساس شدن، مادر بودن، معشوقه بودن و ... این موجود خالی که پر از امکانات یک زن ایرانی متمول است، اکنون فیلس یاد هندوستان کرده و می خواهد به گذشته بازگردد، اکنون که با مشکل سقط بچه مواجه شده و مستاصل است، با اینکه

خواهرش کنارش نشسته، ناگهان تغییر مسیر می دهد، جاده ای را برخلاف مسیر حرکت ماشین ها طی می کند و به خانه خالی علی می رود تا روی تک صندلی اش بنشیند و هوایش را استنشاق می کند ولی چیزی به خود علی از حس اکنونش نمی گوید! اما علی تغییر نکرده، انگار مینا نمی تواند غرورش را زیر پا بگذارد و به علی بگوید که دوستش دارد، همانطور که نمی تواند به مرتضی بگوید که چرا دوستش ندارد. همانطور که علی نمی تواند به آذر، خواهر مینا بگوید که بخاطر خواهرش دانشگاه را رها کرده. این مثلث کم رنگ زیر ایده کنعان می جنبد تا اینکه مرتضی قبول می کند که برگه های طلاق را امضا کند، به شرطی که مینا همراهش به شمال برود و به مادرش دروغ بگوید، تا خیال پیرزن مریض راحت شود و دلواپس طلاق پسرش نباشد. در دو سفر به موازات هم، مینا و مرتضی به سمت شمال، علی و آذر در تهران تغییرات اساسی، انقلاب های درونی و بیرونی به انجام می رسد. دو ضلع متاهل تصمیم به ماندن می گیرند و ضلع دیگر هم گویا قرار است به خواهر معشوقه دل ببندد و بوی گل را از گلاب بگیرد. پادم می آید که فرهادی در کارگاه یا مصاحبه ای؛ از ایده هایی صحبت می کرد که به سطل زباله منتهی می شد. نیروی محرکه و جرعه ایده اش طوری بود که در ادامه فقط و فقط باید سانسورش می کرد، و این پروسه سانسور، کم کم ایده هایش را می بلعید تا جایی که چیزی از آن باقی نمی ماند و مجبور بود تمام آن چه را که نوشته به سطل زباله بیاندازد. این فیلمنامه مشترک یقیناً می تواند به حساب خودشان از آن دست از ایده هایی باشد که از دست سانسور گریخته و توانسته آن را به اجرا در بیاورند، اما به چه قیمتی؟ شایان ذکر است که شخصیت آذر، خودش ممیزی های مربوط به خودش را دارد. او یک فرازی است که در آلمان پناهنده شده بوده، چرا؟ ادای سیاسی بازی؟! شخصیت آذر یک تیپ از شخصیت های سیاسی خود خفن پندار است که معلوم نیست در فیلم چه می کند؟ که بوده؟ یا چه کسانی بوده؟ بر سر بچه اش چه آمده، دوستش در آن کوچه قدیمی که درخت چنارش قطع شده، که بوده؟ همانطور که ملاحظه می کنید، جنبه های سانسور فیلم همین طور زیاد می شود، چه به لحاظ مضمون و اصل و چه به لحاظ فرم!

حال آنچه که فیلم را نجات می دهد، چیست؟ دخیل، عهد مینا با خودش، نجات جان بچه و سقط نکردنش، این نگاه معنوی به فیلم نیاز مبرم اداره ارشاد را به بهترین نحو ارضا می کند تا آن را توقیف نکنند، چون همه چیز در رای یک تفکر روحانی ختم به خیر می شود، با آمدن بچه و زنده ماندنش همه گره ها باز می شود. البته مخاطب زرنگ تر سینما هم داریم که می تواند بگوید: آنچه که مینا در خواب دیده، به زعم خودش، خواب ندیده، واقعیت را دیده که خواهرش خودکشی کرده. همان تصویر باد در پرده و تراس خالی (در فیلم، این منظره در اولین برخورد علی با آذر جای گذاری و به نوعی کاشت شده) حقیقت فیلم بوده، یعنی بعد از تصادف با گاو، البته گاو که به تصویر آستن است و در دیالوگ گفته نمی شود! گاو که ابتدا قصد کشتنش را دارند، ولی بعداً (احتمالاً به خاطر آستن بودنش) منصرف می شوند. آذر در خانه خودکشی کرده. آذر بعد از اینکه می فهمد در حال دل دادن به مردیست که خواهرش عاشق آن است، به خانه می گریزد و

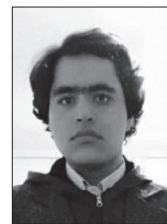
نگاه در زمانی به سینمای واقع‌گرای، دیگر مخاطب امروز رغبتی نمیکند به همچون فیلمهایی. همانطور که منم که کارم اینست، رغبت ندارم و به اجبار میبینم. همانطور که همین حقیقی، باز تفریق را که میسازد، باز که ایده ای مثلا جدید پیش میکشد، نه فروشی میکند و نه امتیاز زیادی میگیرد در سایت های معتبر و یا نظر منتقدان معتبر تر. میشود درین میان به این فکر کرد که چه میشود که سینمای جدی، به همچون عناصر-محتوای مکرری میرسد و سینمای کمدی، به همچون ابتدالی. چرا مردم باید از همچون فیلمهای مذبذب و مبتدلی خوششان بیاید؟ فیلمهایی که مثلا هم به شعور مخاطب توهین میکنند و هم بی سر و ته هستند و هم سراسر فرومایگی است و هم از آن سو، جدی بودن مساوی است با خیانت یا گریه یا غصه یا جدایی یا رنگ های تار و تیره. و همین و همین. تا وقتی که عناصر شکل دهنده به میل و رغبت مردم، نسبت به کمدی های مبتذل - به مثل اقتصاد، به مثل فرهنگ سنتی و ناجنسی - فهمیده نشود و در جستجوی رفع عللش تلاش نشود، و از آن سو تا وقتی که پای جدی بودن، از گلیمش دراز نشود و برود به موزیکال، به ورزشی، به معمایی، به هیجان انگیز، به گونه های دیگر داستانی - و البته همین هم راحت نیست و شما با سدی چون سانسور و افراد مفرطی روبرو هستید- آن وقت شاید بتوان گفت که چطور میتوان رغبت ایجاد کرد در مخاطب؛ رغبتی درست و انسانی و مدلل.



شوند، در تحلیل هایش، تجدیدنظر میکرد. در اینجا بحث من روی این دو گونه، در ایران است؛ نه سینمای جهان. به نظر در غالب فیلمهای ایرانی، تراژدی تبدیل شده به گونه ای که واقعی جلوه میکند و غمناک است، و کمدی، گونه ای است که غیرواقعی است و طبعاً شادست. و اینها، طبعاً از خصایصی که در طول سالیان داشته اند دور شده اند و نیز من هم دارم به معنای خاصی اینها را در نظر میگیرم. در بررسی فرمیک، تراژدی از نظر ارسطو، قهرمان تراژدی شخصی از طبقه ی بالاست که نه شریر است و نه پرهیزکار ولی بر اثر خطایی غیر عمد دچار بدبختی و فلاکت میشود. یا مثلا در کمدی، خنده داری گاهی به خاطر خود موقعیت است و گاهی به خاطر فروتری موقعیت-شخصیت قهرمان، نسبت به مای مخاطب. و این باعث خنده داری داستان میشود. حالا در سینمای ایران، از تمامی گونه های دیگری که وجود دارد، چشم پوشی میشود، و همه چیز بسته و وابسته میشود به غمگینی و شادی؛ و به همین طبع، میرسد به دو چیز: یکی واقع‌گرایی و یکی کمدی. بگذریم ازین که واقع‌گرایی آیا ژانر هست یا نه. فرض میگیریم که واقع‌گرایی، خود، ژانری جداست. حالا ما در ایران با انبوهی فیلم روبرو هستیم که اگر واقع‌گرا هستند، پس غمگینند، و اگر غیرواقعی هستند پس شادند و کمدی. کنعان، در مورد اول قرار میگیرد. در واقع‌گرایی و غمگینی. اما طبق سخنان بالا، الزامی نیست که غمگین بودن و تراژدی گونه بودن، حتما منجر به قتل یا خشمی بیش از حدی شود. کنعان اما برای دهه ی هشتاد است. کلی سال گذشته از آن زمان. اما اگر بخواهیم درست نگاه کنیم تو این همه سال، ما چقدر فیلم و سریال داریم، که با رویکردهایی شبیه کنعان، شبیه چهارشنبه سوری، شبیه سیزده، شبیه ابلق، یا موارد دیگر باشد؟ از یک سو ما سینمای جدی را داریم که میکوشد حرفی داشته باشد، یا موقعیتی را عیان کند، یا شما را به شک بکشد، یا هرچیزی را که به نظرش مهم جلوه میکند، بگوید؛ و از سویی، سینمای شوخ را داریم، که در تلویزیون به مسخرگی رسیده و در سینما، به ابتذال. انگار که مثلا تلویزیون با یک ارشاد کار میکند و سینما با یک ارشاد. که در یکی موی زن بد باشد و در یکی مکروه و گاهی مستحب. که در یکی بتوانی شوخی های آشغال بکنی و در یکی شوخی های تلگرامی و اینستاگرامی. و البته نباید صرفا به فیلم و سریال ها در تقلید از مجازی خرده گرفت. وقتی که شهرداری هم در اواسط خرداد، شهر را پر میکند از فلان و فلان، اگر تصویر بود و کیست که ندیده باشد تمام اینها را در تلگرام و اینستاگرام؛ آن وقت میتوان عقب ماندگی خلاقیت و تبلیغ راه، ریشه ای تر از نانویندگان آن فیلمها، در ساختار وزارت ها دید. بگذریم. این را میخواهم بگویم جدی بودن در سینما، به تکراری بودن رسیده و کمدی، به ابتذال. برای همین است که با

خودش را می کشد. صحنه ترافیک و صدای آمبولانس و اهالی ساختمانی که در جلوی مجتمع جمع شده اند، در واقع برای خودکشی آذر است که جمع شده اند، نه خرابی آسانسور (که قبلا هم کاشت شده). مواجهه مینا و آذر که اکنون رخت عزا از تن درآورده هم می تواند نشان از سفر او از این دنیا باشد. ولی کشف و شهود مخاطب زرننگ هم به فیلم کمکی نمی کند، فیلم باز هم همان یک بام و چند هوایی است که از همان اول است. ولی این فیلم ها به لحاظ اجتماعی تاثیرات خودشان را برای آینده گذاشته اند، البته اگر چه خط کش به دستان امروز با قدرتی بیش از شانزده سال پیش، چوب به دست این پیشروها می زند. البته با گذشت سالیان در این زمینه بسیار موفق عمل کردند و روی کاغذ، هیچ فیلمی برای نقد روز سینما باقی نگذاشتند، مگر لو رفته ها که در شماره قبل گفتم که چیزی جز سانسور نو نیست! سانسور آغازین گرفتگی آبراه آشپزخانه که نماد زندگی آذر و مرتضی است، یکی از سانسور های جذاب فیلم است. البته سانسور های تکراری عبور از روبروی واحد روزنامه کشیده شده که آدم را یاد فیلم سگ کشی بیضایی می انداخت، که به لحاظ تصویر فیلمبازی جالب بود! کنعان از آن دست از فیلم هایی است که از آن طرف بام سانسور افتاده است، سانسوری که نویسندگان، پیش از تولید بر آن اعمال کردند و چیز قابل قبولی از آن باقی نگذاشتند.

رغبت



محمد صالح فصیحی

شاید آن زمانی که ارسطو در بوطیقایش از تراژدی و کمدی به عنوان دو گونه ی مهم روایی نام میبرد، و ویژگی های آنها را برمیشمرد، اگر میدانست که قراست هردوی اینها - یعنی تراژدی و کمدی - به چه روزی کشیده



ضعف پنهان شده پشت قهرمانی های متوالی

فاصله به وجود آمده بین جوانان و تیم اصلی شهر گرگان را باید با تعامل و هم اندیشی حل کرد که یکی از آنها ایجاد آکادمی بسکتبال است

هم باید در مسابقات لیگ استانی شرکت کنند تا کاملاً پخته شوند و تجربه کسب کنند. وی تأکید کرد: از زمان ریخت و پاش های ریالی سنگین در بسکتبال، نه بازیکن تربیت کردیم و نه اجازه دادیم مربیان بومی فرصت حضور در راس تیم را داشته باشند. وی با اشاره به این که کسب یک قهرمانی چیزی به بسکتبال گرگان اضافه نکرد، بلکه برعکس حجم عظیمی از سرمایه این شهر، خارج کرد، ادامه داد: مربی و بازیکن بومی در تیم اصلی شهر گرگان نداریم و این مساله بسیار نگران کننده شده و روند تیمداری فعلی هم ریشه بسکتبال گرگان را قطع می کند. کلاسنگیانی اظهار کرد: ۳۵۰ میلیارد ریال مبلغ قرارداد مجموعه کادرفنی و بازیکنان تیم گرگان در فصل گذشته بود و از این میزان با توجه به حضور خشیار علی اکبری، یاسین کلاسنگیانی و مبین شیخی به عنوان بازیکن، صالح مخلومی و هادی دهقان به عنوان مربی و سعید کمالی به عنوان مربی بدنساز، که همگی جزو لیست بومی قرار داشتند، سهم این افراد با همدیگر کمتر از ۲۰ میلیارد ریال بود. وی افزود: سال ۹۷ با یک شوت مبین شیخی، تیم گرگان قهرمان ایران می شد و آن شوت به ثمر نشست و تیم با ۲۵ میلیارد ریال نایب قهرمان شد. سال های بعد با چندین برابر مبلغ سال نایب قهرمانی، با شوت لحظه آخری قهرمان شدیم، ممکن بود نایب قهرمان شویم و باید آه و افسوس پول های رفته را می خوردیم. کلاسنگیانی تأکید کرد: شهردار و شورای شهر اگر می خواهند بسکتبال گرگان همچنان در صدر باشد باید در گام اول اقدام به تأسیس آکادمی اصولی کنند و تیم را قوی ببندند و نیاز به بازیکن اضافی هزینه دار نداشته باشند. وی یادآور شد: نزدیک شدن افراد غیرفنی و غیر تخصصی به بسکتبال شهرداری گرگان باعث شد، قرارداد ۲۰ میلیارد ریالی یک بازیکن فصل قبل، ۴۵ میلیارد ریال شود و این بازیکن را الان دیگر نمی شود با قیمت پایین خریداری کرد و یا بازیکنی که ارزش ۶ میلیاردی دارد، ۱۰ میلیارد ریال قیمت گذاری می کنید و قیمت بازیکن ۷ میلیاردی به یکباره ۱۸ میلیارد ریال می شود. مدیرفنی تیم بسکتبال شهرداری گرگان گفت: درست است که هدف، قهرمانی است، اما رسیدن به همین هدف هم اصول و قوانینی دارد و بخشی از آن مبلغ قرارداد بازیکنان است که نمی توان از آن تخطی کرد و یک بی نظمی مالی در بسکتبال گرگان، استان گلستان و حتی کشور ایجاد کرد. کلاسنگیانی تصریح کرد: در بسکتبال گرگان به انسجام احتیاج داریم و با برنامه ریزی مجموعه شهرداری و شورا به حفظ این انسجام خوشبین هستیم و به عنوان رییس هیات بسکتبال استان نیز تلاش دارم این انسجام در گلستان هم شکل بگیرد.

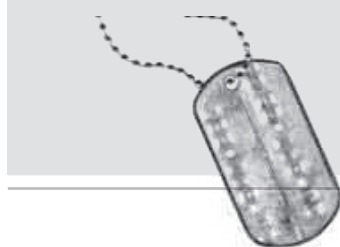


بسکتبال است. وی یادآور شد: این آکادمی قرار بود در زمان مدیریت پیشین سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری گرگان تأسیس شود و تا حدود ۴۰ درصد کارها نیز پیش رفت اما بعد از تغییر مدیریت ها در مجموعه کلان شهرداری و سازمان های زیرمجموعه، روند کار تأسیس آکادمی متوقف شد. رییس هیات بسکتبال گلستان گفت: در فصل گذشته، پنج بازیکن غیربومی در تیم شهرداری بودند که برای تیم بازی نکردند و این انتخاب سیاستگذاری اشتباه مجموعه بود که به هر حرفی بدون نظر کارشناسی و تحلیل و بررسی گوش می دهیم. کلاسنگیانی ادامه داد: اگر به جای این تعداد بازیکن، از بازیکنان بومی استفاده می کردیم و هزینه آن غیربومی ها را این سمت هزینه کنیم، بهتر و زودتر نتیجه خواهیم گرفت. مدیرفنی تیم بسکتبال شهرداری گرگان گفت: ضمن منکر نبودن قانون حرفه ای، معتقدم در یک تیم ۱۶ نفره، اولویت با بازیکنان بومی است و اگر در پستی، ضعفی وجود دارد، بازیکن غیربومی لازم است، اما نه این که در لیست کلی ۱۲ غیربومی، هشت تا ملی پوش بگیریم و بقیه بومی بدون استفاده باشند. کلاسنگیانی بیان کرد: در آکادمی هم باید برنامه ریزی وجود داشته باشد، باید دنبال نخبگان در کلاس های آموزشی باشیم و استعدادها را وارد آکادمی کنیم. وی اضافه کرد: در آکادمی نباید بسته باشد، بلکه اگر بازیکنی پیشرفت نداشت، او را با بازیکنی دیگر جایگزین کنیم و باید بدانیم که آکادمی گذراندن اوقات فراغت نیست. وی افزود: بازیکنان آکادمی

نفت آبادان به عنوان نایب قهرمانی دست یافتیم. رییس هیات بسکتبال گلستان گفت: در آن فصل، با توجه به روند صعودی تیم و ارائه بازی های خوب و تماشاگر پسند، آرام، مشتاقان و هواداران بسکتبال گرگان، با این تیم آشنی کرده و به سالن مسابقات آمدند. وی بیان کرد: در آن سال که تیم نایب قهرمان شد، ۹ بازیکن گرگانی در تیم حضور داشتند، اما این آمار در سال های اخیر، کاهش چشمگیری داشته و حتی بازیکنان ارزشمند و آینده دار همچون رفان علمی، ارسلان ایرانی خواه و مهرشاد نوری را به کادر معرفی کردیم اما با این بازیکنان بومی قرارداد امضا نشد. وی اضافه کرد: این بازیکنان بیشتر در زمان تمرین در کنار تیم بودند و هر زمان در تمرینات، بازیکن کم بود از آنان استفاده می کردند که این کار سبب سرشکستگی بازیکنان جوان می شود. مدیرفنی تیم بسکتبال شهردار گرگان گفت: با ورود مربی غیربومی از فصل بعد نایب قهرمانی، روند جذب بازیکن بومی در تیم عوض شد که این ایراد به مربیان سطح یک کشور نیست، زیرا مربیان حرفه ای بوده و به دنبال کسب نتایج هستند. کلاسنگیانی ضمن بیان این که این قبیل مربیان به فکر بستر سازی و استفاده از بازیکنان بومی نیستند، افزود: باید بتوانیم یک تیم دیگر از جوانان آینده دار و بومی داشته باشیم تا طی سال های آتی این بازیکنان به سطح اول برسند. وی تصریح کرد: فاصله به وجود آمده بین جوانان و تیم اصلی شهر گرگان را باید با تعامل و هم اندیشی حل کرد که یکی از آنها ایجاد آکادمی

شهرداری گرگان نامی قابل احترام و اتکا در بسکتبال کشور به شمار می رود که با قهرمانی سال های اخیرش، بیش از گذشته برای خود در جمع برترین های این رشته جایی محکم و ماندگار پیدا کرده، اما نبود بازیکن بومی در ترکیب تیم و کم توجهی به موضوع مهم استعدادیابی و ستاره سازی، گلايه اصلی و همیشگی دوستداران این تیم است. به گزارش ایرنا، شهرداری گرگان با وجود بالاترینی مستمر در لیگ سال های اخیر، هنوز نتوانسته درهای خود را به روی بازیکنان بومی گلستان باز کند و معذور استعدادهای این استان را هم با بی مهری به سمت حضور در تیم استان های دیگر سوق داده است. هزینه بالای تیمداری در لیگ برتر، هواداران بسکتبال گرگان را با این پرسش مواجه کرده است که چرا نباید بخشی از این اعتبارات صرف استعدادیابی شود تا اندک اندک فرصت بازی در لیگ برتر به ستاره های بومی داده شده و آنان در استان خود امکان نمایش استعدادهای خود را پیدا کنند؟ حمیدرضا کلاسنگیانی، رییس هیات بسکتبال گلستان که سابقه بازی در تیم ملی و مربیگری در تیم شهرداری گرگان را دارد، این روزها مدیر فنی این تیم لیگ برتری است، به تشریح ریز و درشت اتفاقات و برنامه های این تیم پرداخته است. وی گفت: هیات بسکتبال گلستان تمام فکر و تمرکز خود را بر تقویت تیم های پایه گذاشته تا آنان بتوانند پشتوانه ای برای بسکتبال استان در رده های سنی بزرگسالان باشند و حتی بازیکن به تیم های دیگر تزریق کنند. رییس هیات بسکتبال گلستان افزود: باید هر مسابقه و برنامه ای را بر اساس تقویم فدراسیون انجام دهیم، چون قرار است در سال جاری، مسابقات نوجوانان و جوانان کشور به صورت باشگاهی برگزار شود. کلاسنگیانی با اعتقاد به این که باید در مسیر رشد و پیشرفت از ایده و نظرات پیشکسوتان و خرد جمعی استفاده کرد، افزود: این کار سبب خواهد شد که بسکتبال استان گلستان جایگاهش را در کشور به دست آورد. مدیرفنی تیم بسکتبال شهرداری گرگان گفت: پیش از حضور در نیکمیت گرگان به عنوان سرمربی در فصل ۱۳۹۸ - ۱۳۹۷ به دلیل نبود اعتبارات مورد نظر، چندین مرتبه پیشنهاد هدایت تیم را رد کردم، اما در نهایت پس از مذاکرات متعدد، با درج برخی نظرات با مسوولان وقت به توافق رسیدم تا تیم را با تمام توان در لیگ برتر شرکت دهیم. وی تأکید کرد: باید باور داشته باشیم و قبول کنیم، امروز دیگر بازیکنی بخاطر رفقت، جایی بازی نمی کند و بازیکنان به خاطر شرایط مالی و درآمد، به بالاترین پیشنهادات، جواب مثبت می دهند. وی یادآور شد: در آن فصل، تیم نتیجه چشم نوازی گرفت و با بودجه ۲۵ میلیارد ریالی به فینال رسیدیم و پس از تیم پالایش

خون های ریخته شده شهیدان ما، طومار دشمنان اسلام و انقلاب را در هم خواهد پیچید، زیرا انتقام گرفتن از ظالم امری قطعی و وعده الهی است. امام جمعه کلاله ادامه داد: اقشار مختلف جامعه باید پیرو راه شهیدان باشند و دستاوردهای این عزیزان و الامقام را حفظ کنند. وی بیان داشت: مسوولان با خدمت مضاعف به مردم می توانند انتقام خون شهیدان را بگیرند.



امام جمعه کلاله در شرق استان گلستان با بیان اینکه امنیت در یک کشور و جامعه به خودی خود بوجود نمی آید بلکه مادیون خون شهیدان است، گفت: شهیدان پرچمداران عزت، آزادی و امنیت در جامعه هستند. به گزارش روابط عمومی، حجت الاسلام نجف علی قاسمی اظهار کرد: به برکت خون شهیدان و رشادات های آنها، هم اکنون فضای طیب و طاهری در جامعه ما حاکم شده که همه اقشار مردم باید برای حفظ آن تلاش کنند. وی افزود: شهیدان ما بالاخص شهید میرشکاری، با رشادات و پایمردی و در عین مظلومیت به شهادت رسیدند و استقلال کشور اسلامی ما را از دستبرد دشمنان حفظ کردند. حجت الاسلام قاسمی تصریح کرد: بدون تردید

شهیدان پرچمدار عزت
امنیت و آزادی هستند

